

تصمیمات قضائی

جزائی

۱ - حکم شماره ۱۳۱۰/۱۳۳۱ دیوانهالی کشور

راجع بقاچاق موضوع ماده ۷ و ۸ قانون مجازات مرتکبین قاچاق

شخصی ۵۵ ساله شغل لباس فروش با اتهام ارتکاب قاچاق البسه ممنوع الورود در شهر یور ماه سال ۲۱ مورد تعقیب اداره گمرک تهران واقع شده و پس از اخذ ضبط لباسهای مورد دعوی قاچاق و تنظیم صورت مجلس بازپرس قضائی امور قاچاق بموجب تقاضای اداره کل گمرک قرار اخذ کفیل بمبلغ پنجاه هزار ریال در باره متهم صادر کرده و کیل متهم دادخواستی بشعبه ۱۲ دادگاه جنحه تهران تقدیم و تقاضای صدور حکم برائت موکل را از دادگاه نموده است شعبه نامبرده در تاریخ ۳۱/۱۱/۲۰ با حضور متهم و کیل وی و نماینده اداره کل گمرک رسیدگی نموده و بافسخ قرار بازپرس گمرک بشرح حکم شماره ۱۰۵۵ - ۳۱/۱۱/۲۰ و رد ملبوس مورد دعوی قاچاق را بمدعی برائت و برائت متهم را صادر و اعلام داشته دادیار دادسرای شهرستان و نماینده اداره کل گمرک از حکم مزبور تقاضای رسیدگی پژوهشی نموده اند شعبه هفتم دادگاه استان مرکز در تاریخ ۲۲/۳/۲۷ رسیدگی کرده و قبول دادخواست مدعی برائت را برخلاف ماده ۸ قانون کیفر مرتکبین دانسته و باگسیختن دادنامه بدوی قرار رد دادخواست مدعی برائت را بشرح قرار شماره ۴۶۸ - ۳۲/۴/۱۹ صادر کرده قرار دادگاه استان در تاریخ ۳۲/۴/۱۴ بوقیل متهم و در تاریخ ۳۲/۴/۱۳ بحمل اقامت قانونی متهم ابلاغ شده که در تاریخ ۳۲/۴/۲۴ لایحه فرجاسی بدفتر دیوان کشور تقدیم و رسیدگی بشعبه نهم ارجاع گردیده هیئت شعبه در تاریخ بالا تشکیل پس از قرائت پرونده کار و کسب نظر دادیار دادسرای دیوان کشور مبنی بر ابرام قرار و مشاوره باتفاق رأی میدهد :

با توجه باینکه وثیقه تأمین داده شده برای متهم بعنوان پرداخت جریمه نبوده و صورت تأمین از قرار و در دسترس بودن متهم داشته است و طوری نبوده که جریمه مورد مطالبه تأمین شده باشد تا از مصادیق ماده ۷ قانون مجازات مرتکبین قاچاق فرض شود لذا بر قرار فرجام خواسته اشکالی وارد نبوده و استوار میشود .

حقوقی

۴ - حکم شماره ۱۴۴۴ - ۳۳/۸/۳۳ دیوان عالی کشور

دو نفر بظرفیت شخص ثالثی بخواسته مبلغ هفت هزار و هفتصد ریال اجرت المثل

تصمیمات قضائی

یکباب خانه باستناد مدارک خود در دادگاه بخش کرمانشاهان اقامه دعوی نموده دادگاه پس از رسیدگی غیاباً خوانده را محکوم بپرداخت خواسته نموده و در مرحله وخواهی استوار گردیده. در مرحله پژوهشی دادگاه شهرستان کرمانشاهان با اعتراضات رسیدگی و بموجب حکم شماره ۶۹-۱۳۰/۵/۲۸ حکم پژوهش خواسته را غیاباً استوار کرده. این حکم در ۲۸/۶/۱۷۷ بموجب محکوم علیه ابلاغ شده و در ۲۸/۶/۲۹ دادخواست وخواهی بدفتر دادگاه شهرستان داده شده است دادگاه بموجب قرار شماره ۳۲۵-۲۸/۹/۱۵ باستناد اینکه دادخواست وخواهی خارج از مدت قانونی تسلیم شده دادخواست را رد کرده قرار نامبرده در دی ماه ۳۲۸ ابلاغ شده و در ۱۰ دیماه ۲۸ دادخواست فرجایی بدفتر دادگاه شهرستان کرمانشاهان داده شده که پس از رفع نقص بدیوانکشور ارسال و به شعبه ۵ برای رسیدگی ارجاع گردید. اعتراضات وی این است که دادخواست خود را به موقع داده معلوم نیست چه شده که قرار صادر گردیده است.

شعبه نامبرده در تاریخ ۳۳/۴/۱۳ تشکیل و پس از ملاحظه و نظریه دادیار دادرای دیوانعالی کشور مبنی بر ابرام قرار فرجامخواسته مشاوره نموده چنین رأی میدهند:

قرار فرجامخواسته متکی به مستندات مضبوطه در پرونده است که خلاف آن بشرح اعتراض فرجامخواه ثابت نبوده و مستند بدلیل نیست چون از جهت دیگر هم برقرار فرجامخواسته اشکال موجب نقض وازد نیست قرار مزبور استوار میشود.

جزائی

۴ - حکم شماره ^{۶۶۲۷}۳۳/۱۰/۱۴ دیوانعالی کشور

راجع بقتل غیر عمد موضوع ماده ۱۷۷ قانون کیفری همگانی

دو نفر باتهام شرکت در قتل غیر عمدی در اثر بی احتیاطی و شخص دیگری، کارمند شهرداری تهران، باتهام دادن تصدیق خلاف واقع مورد تعقیب دادرای تهران قرار گرفته اند و پس از انجام بازرئیهای مقدماتی و تنظیم کیفرخواست شعبه ۱۳ دادگاه جنحه تهران در تاریخ ۳۱/۱۲/۸۰ باتهام هر سه نفر متهمین نامبرده رسیدگی کرده و با احراز ثبوت بز هکاری متهمین عمل دو نفر اول را منطبق با ماده ۱۷۸ و عمل منسوب بشخص سوم را با ماده ۱۱۲ و ۲۷ قانون منطبق دانسته و با اجازه ماده ۴۵ قانون کیفر عمومی هر یک از دو نفر اول را بشرح دادنامه شماره ۹۵۱ و ۹۵۲ مورخ ۳۱/۱۲/۱۶ به ششماه حبس تأدیبی و پرداخت پانصد ریال غرامت و یکهزار ریال هزینه دادرسی و نفر سوم را به سه ماه حبس تأدیبی و پرداخت پانصد ریال غرامت و یکهزار ریال هزینه دادرسی با احتساب بازداشت گذشته محکوم نموده و نیز هر یک از متهمین را بپرداخت مبلغ پنجریال بشاکی خصوصی بطور تساوی محکوم نموده متهمین از محکومیت خود و دادیار دادرای تهران از قتل کیفر در باره متهمین و شاکی از حکم مزبور تقاضای رسیدگی پژوهشی نموده اند

تصمیمات قضائی

شعبه ۴ دادگاه استان مرکز در تاریخ ۳۲/۴/۱۱ بتقاضای پژوهشخواهان (دونفر اولی و دادستان وشاکی خصوصی) در غیاب پژوهشخواهان وحضور وکیل مدافع آنان رسیدگی کرده و حکم پژوهشخواسته را گسیخته و برطبق ماده ۱۷۷ قانون کیفر عمومی اولی را بدو سال حبس تادیبی وپرداخت ده هزار ریال هزینه دادرسی ودومی را یکسال حبس تادیبی وتادیبه پنجهزار ریال هزینه دادرسی بشرح حکم شماره ۳۲/۵/۴-۹۴۹ محکوم ونسبت بتادیبه ضرر و زیان شاکی خصوصی استوار کرده. حکم مزبور بوکیل متهم اول ابلاغ وشرحی بوسیله ریاست شعبه ۴ دادگاه استان بعنوان ریاست دیوان عالی کشور نوشته است خلاصه اینکه مدتی است موکل متواری است وچندی قبل حکم دادگاه استانرا بدفتر اینجانب ابلاغ نموده اند و بر حسب وظیفه قانونی در صورتیکه حکم قانونی باشد تقاضای رسیدگی فرجامی دارم

پرونده امر بمنظور رسیدگی بدرخواست فرجامی وکیل نامبرده بدفتر دیوان کشور ارسال وبشعبه نهم ارجاع شده است .

هیئت شعبه در تاریخ بالا تشکیل پس از ملاحظه پرونده کار وکسب نظر دادیار دادسرای دیوانکشور برنقض حکم و مشاوره باتفاق رأی میدهد :

چون بر حسب مستفاد از ماده ۱۷۷ قانون مجازات عمومی ییاحتیاطی وبی مبالاتی یا تخلف از نظامات وقتی موجب مسئولیت خواهد داشت که یکی از این امور علت وقوع حادثه شود. ودر این مورد در حکم فرجامخواسته تصریح شده که پس از اتمام ساختمان حمام بوسیله متهم اول و دائر شدن آن بمدیریت متهم دوم مستأجر محل از نظر خرابی ساختمان حمام مزبور از ناحیه شهرداری تعطیل گردیده وبعد متهم اخیر باتبانی متخصص شهرداری تصدیق برخلاف واقعی تحصیل و حمام را باز کرده است و پس از ۹ روز حادثه خرابی منتهی بقتل دونفر واقع شده است و در حکم دادگاه بکیفیت دخات متهم اول در دائر کردن حمام یا تعمیر آن پس از بسته شدن حمام از طرف شهرداری اشاره نشده واز مجموع نظریه دادگاه نیز استنباط و احراز نمیشود که متهم نامبرده چه عملی انجام داده که سبب وقوع حادثه ولو بطور غیر مستقیم شده است لذا حکم فرجامخواسته بر محکومیت متهم اول مخالف قانون و اصول بوده بهوجب ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی نقض و رسیدگی بشعبه دیگر دادگاه استان مرکز ارجاع میشود .

حقوقی

۴ - حکم شماره $\frac{۱۱۶۱}{۲۳/۶/۱۰}$ دیوانعالی کشور

فرجامخواهنده فعلی در ۳۲/۴/۱۱ - بخواسته طلاق بالزام خواننده بانجام تعهد

تصمیمات قضائی

بطرفیت فرجام خواه فعلی در دادگاه شهرستان تهران اقامه دعوی نموده بتوضیح آنکه ضمن عقد نکاح شرط شده که هرگاه ظرف مدت معین از تاریخ تنظیم عقدنامه مدعی علیه زوجه خود را طلاق نداد - مدعیه حق داشته باشد که خود را مطلقه سازد - چون مدعی علیه برخلاف شرط رفتار نموده - صدور حکم بحقانیت مدعیه بآنکه بتواند خود را مطابق شرط مطلقه سازد - مورد تقاضا است - دفاع مدعی علیه این بود که شرط انجام شده و تأخیر آن ناشی از جریان دفاتر ازدواج و طلاق بوده - دادگاه دفاع را مؤثر ندانسته وله مدعیه حکم داده و در مرحله پژوهشی پس از رد ایراد مرور زمان از این جهت که در موعد قانونی ایراد نشده - حکم بدوی استوار شده و این حکم در تاریخ ۳۲/۱۱/۲۵ - به فرجام خواه ابلاغ قانونی شده و در دوم اسفند ۳۲ بدفتر دیوانعالی کشور درخواست فرجایی تقدیم و خلاصه اعتراضات اینستکه اولاً ایراد مرور زمان برخلاف قانون رد شده وثانیاً بشرحیکه در مراحل ماهوی هم توضیح شده وفای بعهده شده بوده وفرجامخوانده حتی نداشته تا حکم له او صادر گردد .

پرونده در جلسه مورخ ۳۳/۶/۳ شعبه پنجم دیوانعالی کشور مطرح پس از ملاحظه و نظریه کتبی دادیار دیوانکشور که مبنی بر استواری بوده مشاوره نموده چنین رأی میدهند:

اعتراضات فرجام خواه تکرار مطالبی است که در مرحله بدوی و پژوهشی شده و موجها رد گردیده است و حکم مخالف مبنای آن نیست و در دیوانکشور معتبر تلقی میشود و چون از جهات دیگر هم مواجه باشکال موجب نقض نیست استوار میگردد .

جزائی

۵ - حکم شماره $\frac{۳۶۴۴}{۳۲/۱۰/۱۲}$ دیوانعالی کشور

راجع به ضدیت باسلطنت مشروطه و اقدام علیه امنیت و استقلال کشور موضوع ماده ۴ قانون حکومت نظامی و شق یک ماده یک قانون مجازات مقدمین علیه امنیت و استقلال کشور و ماده ۵ قانون اخیر الذکر

شخصی ۳۰ ساله با اتهام ضدیت با سلطنت مشروطه و تبلیغ مرام اشتراکی و عضویت جمعیتی که مرام و رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه میباشد و پس از وقایع ۲۸ مرداد فراری و در ۹ شهریور ۳۲ دستگیر شده مورد تعقیب فرمانداری نظامی رشت واقع و پس از بازجویی و صدور قرار مجرمیت کیفر خواست در مورد اتهامات یاد شده با تطبیق ماده ۴ قانون حکومت نظامی و شق یک ماده قانون مجازات مقدمین علیه امنیت و استقلال کشور و ماده ۵ قانون اخیر الذکر بدادگاه جنائی فرمانداری نظامی شهرستان رشت و حومه داده شده است . دادگاه مزبور با تشکیل جلسه مقدماتی و رسیدگی در هیئت سه نفری در ۳۲/۷/۲۰ چنین رأی داده است که مسلم است متهم از رهبران یکی از شبکه های

تصمیمات قضائی

حزب متحله توده بوده و در چند سال اخیر برای واژگون کردن سلطنت مشروطه ایران گام های بلندی برداشته و بر طبق ماده ۴ قانون حکومت نظامی باعدام محکوم و سایر اتهامات را نیز وارد دانسته ولی بواسطه تعدد جرم همان اشد مجازات محکوم بقتل را قابل اجرا میدانند. محکوم علیه تجدید نظر خواسته و در هیئت ه نفری دادگاه تجدید نظر فرمانداری نظامی پس از دادرسی باحضور متهم و وکیل مدافع او حکم بدوی دایر باعدام متهم مورد تأیید اکثریت واقع گردیده و محکوم علیه در موقع رؤیت حکم تقاضای فرجام کرده و رسیدگی بشعبه نهم دیوانکشور ارجاع شده است.

هیئت شعبه در تاریخ بالا تشکیل پس از ملاحظه پرونده کار و کسب نظر دادیار دادرسی دیوانکشور بر نقض حکم و مشاوره باتفاق رأی میدهد:

بر حکم دادگاه تجدید نظر که بر استواری حکم دادگاه بدوی صادر شده این اشکالات وارد است که: جرم منتسب بمتهم یکی ضدیت با سلطنت مشروطه ایران بوده و دادگاه نسبت بهمین موضوع متهم را بر طبق ماده ۴ قانون حکومت نظامی محکوم باعدام کرده است در صورتیکه ماده مستند بها ناظر با اقدام عملی بر ضد دولت مشروطه است و آنچه بشرح حکم بدوی در نظر دادگاه محقق تشخیص شده این بوده که متهم از رهبران حزب متحله توده بوده و برای واژگون کردن سلطنت مشروطه ایران گامهای بلندی برداشته که با فرض صحت چنین اتهامی منطبق بماده یک از قانون مجازات مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکتی است که کیفر آن حبس مجرد است نه اعدام و نیز در دادگاه تجدید نظر جلسه مقدماتی تشکیل نشده و مهلت مقرر بوکیل مدافع منظور نشده و از این حیث برخلاف مواد ۲۲۶ و ۲۲۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش که بموجب ماده ۳۵ قانون تشکیل دادگاه نظامی موقت لازم الاجرا است عمل شده و چون بجهات مذکور حکم فرجامخواسته برخلاف قانون صادر شده بموجب ماده ۴۳۰ آیین دادرسی کیفری نقض و رسیدگی بشعبه دیگر دادگاه تجدید نظر ارجاع میشود.

حقوقی

۶ - حکم شماره $\frac{۱۱۸۶}{۴۴۱۶/۲۰}$ دیوانعالی کشور

راجع بطلاق موضوع مواد ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ قانون مدنی

در خصوص دادخواست فرجاسی بانو... بطرفیت شوهر خود نسبت بحکم صادره از شعبه اول دادگاه استان هفتم که بدوا فرجامخواه دادخواستی بطرفیت فرجامخوانده پخواستته طلاق باین عنوان که سه سال است خوانده او را از منزلش خارج نموده و مخارجش را نمیدهد بدادگاه شهرستان شیراز تقدیم و دادگاه قرار استماع گواهی گواهان طرفین را داده

تصمیمات قضایی

و پس از استماع گواهی سه نفر گواه که از طرف خواهان اقامه شده بعلت عدم کفایت دلیل دعوی خواهان را محکوم برد کرده است مشارالیهها تقاضای رسیدگی پژوهشی نموده شعبه اول دادگاه استان هفتم پس از رسیدگی باین خلاصه رأی داده: اعتراض پژوهشخواه اینستکه پژوهشخوانده چهارسال است ترك انفاق کرد و مع ذالک او را مطلقه نمیکندکه این مراتب با فرض اثبات کافی برای مطالبه طلاق بنظر نمی‌رسد خصوصاً آنکه پژوهشخواه در محضر دادگاه معترف شده که خودش از منزل پژوهشخوانده خارج شده و دلیل دیگر بهم برای ذبحی بودن بر مطالبه طلاق در این مرحله تقدیم نموده بنابراین مورد منطبق با هیچیک از فقرات ماده ۱۱۲۹ و ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی نبوده و دادنامه پژوهشخواسته بآلتیجه استوار میشود این حکم در تاریخ ۳۲/۳/۲۵ برویت فرجامخواه رسیده و در ۲۸ همان ماه دادخواست فرجامی بدفتر دادگاه استان هفتم تقدیم و پس از وصول بدفتر دیوان کشور برای رسیدگی بشعبه ششم ارجاع گردیده خلاصه اعتراضات فرجامخواه اینکه دادگاه بدون تعمق در اظهار من حکم داده و فرجامخوانده دارای عیال دیگری است و مدت شش سال است که ترك انفاق نسبت بمن کرده و باعیال دیگرش مشغول عیش و عشرت میباشد. فرجامخوانده پاسخ داده است.

پرونده در جلسه ۳۳/۴/۱۴ شعبه ششم دیوانعالی کشور مطرح و پس از استماع نظریه دادیار دیوانکشور که مبنی بر ابرام بوده مشاوره نموده چنین رأی میدهند: بر حکم فرجامخواسته ایراد مؤثری نشده و داشتن عیال دیگر موجب طلاق نمیشود لذا حکم مزبور باتفاق آراء ابرام میشود.

شعبه ششم علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال
موسسه انسانی